

گفتگو با دکتر حمیدرضا شفیع پور درمورد باغداری پسته در آمریکا

تصمیمی متفاوت برای نیمه دوم عمر



گفتگو با دکتر حمیدرضا شفیع پور را در آخرین سفرشان به ایران و در آخرین روز حضورشان در تهران انجام دادم. برای من که اولین بار بود ایشان را ملاقات می کردم گفتگو با یک رادیولوژیست در مورد پسته کمی غریب می نمود اما مدت کوتاهی پس از شروع گفتگو دچار این آشوب شدم که آیا قادر خواهم بود همه اطلاعات او را در مورد باغداری پسته آمریکا دریابم؟

حمید شفیع پور که از یکی از خانواده های تاثیر گذار در پسته برخاسته اگر چه در جوانی پزشکی را بعنوان رشته تحصیلی خود برگزید اما در نیمه دوم عمرش تصمیم گرفت کاری را بکند که در کودکی و نوجوانی دوست داشته است یعنی کشاورزی.

در این گفتگو که بر فعالیت حمید شفیع پور در باغداری پسته متمرکز است اطلاعات دقیقی در مورد پسته آمریکا مطرح گردید که بدون تردید برای همه باغداران پسته ایران خواندنی و با ارزش است.

حمید فیضی

دبیر کل انجمن پسته ایران

بود کاشت اما چون خاکش مناسب رشد پسته نبود با کوشش و هزینه بسیار آب را توسط یک لوله سیمانی به طول ۷-۸ کیلومتر به منطقه ای بنام حصار تشنه که اکنون فرودگاه رفسنجان در نزدیکی آن احداث شده منتقل نمود. در این محل چون خاکش مناسب کشت پسته بود باغهای پسته سعیدآباد احداث گردید. **آقای دکتر شفیع پور، پدر شما زمانی شروع کردند به احداث قنات در سعید آباد که همزمان تکنولوژی حفر چاه هم به منطقه آمده بود؟**

بله، تا آنجا که من آگاهی دارم اولین چاه توسط شهرداری رفسنجان در خیابان سعدی حفر شد که برای تامین درختان و آب پاشی خیابان ها بود، چون هنوز خیابانها آسفالت نشده بود. انگار دومین چاه را مرحوم یوسفیان در حیدرآباد حفر نمود. بعد از آن تک و توک چاه عمیق می زدند. پدرم در محل پیشکار قنات سعیدآباد یک چاه عمیق حفر نمود ولی به آب زیادی نرسید.

تا چه زمان به باغداری پسته در ایران ادامه دادید؟

پدرم در سال ۱۳۵۵ درگذشت. در نتیجه سهمی سعیدآباد را هر کدام از ورثه خودش اداره می کرد اما پنج سال اول را برادرم اداره می کرد. پس از بازگشت من از آمریکا در سال ۶۰، ملک را تقسیم کردیم من هر ماه ۳-۴ روز به آنجا سر می زدم و دستور کارها را شخصاً می دادم. مابشری هم داشتیم که مسئول هماهنگی کارها و حسابداری بود. همه چیز خیلی خوب بود تا اینکه بچه های ما بزرگ شدند. آن موقع نگرانی من در مورد درس و زندگی آنها بیشتر شد لذا با همسرم تصمیم گرفتیم برای مدتی به آمریکا برویم. در محیط جدید ابتدا خیلی مشکل بود که خود را با آن تطبیق دهیم. مشکل است آدم جایی برود که هیچکس او را نمی شناسد و هیچ کاری ندارد که

و خیلی هم امکاناتی داشتیم که آنجا بمانم اما خوب، عشق خدمت به وطن داشتیم ترجیح دادم در ایران کار کنم. تهران هم نمادین و رفتیم کرمان و به استخدام دانشگاه کرمان درآمدیم. در اواخر سال ۶۰ به دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی فعلی) تقاضای کار دادم که موافقت شد و با پایه استادیاری در بیمارستان طالقانی مشغول به خدمت شدم. یکی دو سال بعد از سوی بیمارستان پارس تهران به من پیشنهاد شد که سهامدار و مسئول بخش رادیولوژی آن بیمارستان بشوم و من هم پذیرفتم.

همزمان درگیر فعالیت های کشاورزی و باغداری پسته هم بودید؟

اجازه دهید از ابتدای کودکی و آشناییم به کشاورزی سخن بگویم. من از کودکی به همراه پدر به باغهای پسته رفسنجان می رفتم. پدر من دو دهستان احداث کرد که یکی نوبهار و دیگری همین سعیدآباد است. درست اولین چاهی که در پیشکار قنات حفر شد به یاد دارم. هیچکس فکر نمی کرد آنجا اصلاً دهی آباد بشود اما پدر و مادرم شدیداً به آن اعتقاد داشتند. پس از مدتی آب آن مظهر شد و یک باغ میوه هشت هکتاری ایجاد گردید.

پدرتان چطور تشخیص داد که آنجا مناسب احداث قنات است؟

ایشان یک مقنی به نام (مرحوم) حسین یحیی داشتند. خدایش بیامرزد او گفته بود ارباب اینجا آب هست. به یاد دارم که در دل تپه های آنجا اتاقهایی می کردند که به آن "بیکند" (بیل کند) می گفتند که محل سکونت مقنی ها بود و از سرما و گرما به آنجا پناه می بردند. پدرم همه روزه به آنجا می رفت و مایحتاج خوراکی و زندگی آنها را با خود می برد، خودش هم تا آخر عمرش هر روز به سعیدآباد می رفت. اصلاً عشقش آن باغ بود که به باغ بالا معروف شد. پدرم در آن باغ درختان مختلف میوه که از اصفهان آورده

آقای دکتر شفیع پور! برای شروع از خودتان بگویید.

من حمیدرضا شفیع پور فرزند مرحوم حسین شفیع پور متولد رفسنجان هستم. پدر من از جوانی در کار کشاورزی پسته بود. البته او از دانشسرای مقدماتی کرمان فارغ التحصیل شد و سپس در اداره فرهنگ رفسنجان بعنوان آموزگار مشغول به کار گردید. مادرم دختر مرحوم سید مهدی اوحدی است که پیوند پسته اوحدی (فندق) را کشف و ترویج نمود. پدر بزرگ پدری ام مرحوم علی اکبر شفیع پور در رفسنجان شخصی سرشناس بود و سالها عضو هیات دایری بود. اصلیت فامیل ما کرمانی بود اما جد چهارم پدری ام بنام میرزا شفیع پور در شهر بابک میر پسته است.

پدرم از سال ۱۳۲۰ شمسی وارد کار کشاورزی پسته شد.

خود شما چطور؟ در کار کشاورزی بودید؟

من از کودکی به کشاورزی علاقه فراوان داشتم. ولی متأسفانه یا خوشبختانه پدرم فرمود "ما در فامیل یک دکتری می خواهیم"، برادر بزرگتر به آمریکا رفته بود و کشاورزی می خواند پس قرعه فال به نام من زده شد. یکسال دبیرستان را در رفسنجان بودم و بعد به مدت ۵ سال در دبیرستان شبانه روزی البرز تهران مشغول تحصیل شدم.

پزشکی را در دانشگاه شیراز (پهلوی) خواندم و در سالهای آخر با خانم فرشته امین دختر مرحوم حاج عباس امین ازدواج کردم که او هم در رشته آمار ریاضی آن دانشگاه فارغ التحصیل شد.

بعد از آن وارد تخصص رادیولوژی شدم که ۳ سال طول کشید و بعد به خدمت سربازی رفتم. در سال ۱۳۵۸ با خانواده عازم آمریکا شدیم و در دانشگاه UCLA لس آنجلس یک دوره اولتراساند گذراندم

محیط زیست است. حل مشکل هنوز به جایی نرسیده است و بحث ادامه دارد.

این منطقه ساکرومنتو برای کشت پسته خوب است؟

خیر؛ به این خاطر که گرمای تابستان آنجا کم است و پسته گرمای بیشتری می‌خواهد. رطوبت هم دارد که برای پسته خوب نیست. البته پسته هم می‌شود کاشت اما محصول کالیفرنیا مرکزی را نمی‌دهد. شاید زمستان هم سرمای لازم را نداشته باشد. در این منطقه گردو و بادام بسیار خوب رشد می‌کند و آب هم بسیار ارزان است.

بهترین منطقه کالیفرنیا برای پسته کاری کجاست؟

بهترین منطقه، کالیفرنیا مرکزی است. کالیفرنیا مثل یک مستطیل است که جنوبی‌ترین شهرش سن‌دیگو است، تا شمال که کوه شستا است که منبع آن رودخانه ساکرومنتو در شرق رشته کوه سی‌یرا نوادا بین کالیفرنیا و نوادا (Nevada) است که خیلی آب دارد. روی رودخانه‌ی کرن سد بسته‌اند و از آبش استفاده می‌کنند. یکسری هم کوه سمت غرب دارد که آنقدر بلند نیست؛ مثل همان کوه تپه‌های رفسنجان است. این کوه‌ها حدود ۵۰-۴۰ کیلومتر ادامه دارند تا به اقیانوس می‌رسند. این وسط یک جلگه است که حدود ۴۰۰ مایل (۶۴۰ کیلومتر) طول و عرضش بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ مایل (۲۴۰ تا ۵۰۰ کیلومتر) است. شهرهای کشاورزی کالیفرنیا شامل بیکرزفیلد، دلینو، وایسلیا، کینگ، ترابلا، کرن، فرزنو، مرسید، مادر، چاوپیل، چیکو، ساکرامنتو و ... هستند. شهری بنام واسکو هست که خیلی باغ‌های خوبی دارد. آنجا جدیداً خیلی پسته کاری کردند. خود شهر کرمان هم هست.

داستان شهر کرمان چیست؟ در ایران گفته می‌شود که کرمانی‌ها این شهر را درست کردند.

آن موقع هم که ما دبیرستان بودیم می‌گفتند کرمانی‌ها این پسته را به کالیفرنیا بردند و آنجا شهری به اسم کرمان درست کردند و پسته کاری کردند. من تحقیق کردم فهمیدم یک آقای به اسم ژنرال کرمن بوده که این شهر را حدود ۸۰-۷۰ سال پیش تأسیس کرده است. اتفاقاً پسته هم آنجا خیلی خوب نمی‌شود. خاکش یک لایه بسیار سختی دارد که مانع رشد پسته می‌شود. واقعیت این است که کرمانی‌ها در پسته کالیفرنیا نقش مهمی نداشته‌اند. بلکه توسعه پسته بعد از جنگ جهانی دوم شروع شد. یعنی زمانی که دولت کالیفرنیا، کانال کالیفرنیا را احداث کرد. چون آنجا کویر بود و آبی نداشت و یا باید چاه می‌زدند. دولت کالیفرنیا کانال را کشید و یک شبکه آبرسانی خیلی جالب در سرتاسر آن احداث کرد که امکان توسعه را فراهم نمود. البته قبل از آن گروه‌هایی را به ایران، افغانستان، ترکیه و یونان فرستاده بودند

بعدها دارد و من هم کارهای فنی را نظارت می‌کنم. این زمین‌ها معمولاً زمین‌های بکر هستند؟

خیر، بیشتر زمین‌هایی هستند که قبلاً در آن یونجه یا پنبه می‌کاشته‌اند. الان صنعت نساجی از آمریکا به چین و هند رفته است و در نتیجه پنبه کارها زمین‌شان را می‌فروشند، مخصوصاً الان که زمین خیلی گران شده است. زمینی که سال ۲۰۰۰ خریدیم ۳ هزار دلار در هر ایکر الان چیزی حدود ۱۵ هزار دلار در هر ایکر (۳۷,۵۰۰ دلار در هر هکتار) ارزش دارد.

هر ایکر زمین قابل کشت پسته را می‌فرمایید؟ ۱۵,۰۰۰ دلار در هر ایکر!

بله؛ زمینی که آب خوب داشته باشه مخصوصاً اینکه آب چاه داشته باشه همین حدوده‌است.

محدوده قیمت زمین و آب چقدر است؟

الان زمینی که آبش خیلی خوب نباشد ۵-۴ هزار دلار تا ۸-۷ هزار دلار در هر ایکر (۱۰ تا ۲۰ هزار دلار در هر هکتار) هم می‌شود خرید. ولی در این زمین شما باید چاه بزنید که چیزی حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار دلار خرج حفر چاه است. هنوز در زمین‌هایی که قبلاً کشاورزی می‌شد، می‌شود چاه زد. اما اگر شما بخواهید یک زمین بکر را آباد کنید، اصلاً دولت اجازه حفر چاه و کشت را نمی‌دهد.

برای حفر چاه در زمینی که قبلاً کشاورزی می‌شد، باید مجوز بگیرید؟

بله، مجوز می‌دهند و مجوز مشکلی ندارد. می‌گویید من یک باغی دارم که آبش کم شده و می‌خواهم یک چاه دیگر بزنم. آنجا دیگر حریم ندارند، یعنی چاه‌ها را می‌توانند مجاور هم بزنند. الان زمین قابل فروش زیرکشت دارد کم می‌شود. کم آبی هم مزید بر علت شده است. مگر آنکه همان زمین‌هایی که یونجه و پنبه می‌کاشتند را به بادام و پسته تبدیل کنند. ولی در زمین جدید که بکر باشد و بخواهند تبدیل به باغ یا حتی زراعت بکنند اجازه نمی‌دهند. در موقع خرید شما باید ببینید که چاه وضعیتش چطوری است. چه زمان چاه حفر شده، وضع لوله‌هایش چطور است و آب‌دهی چقدر است. خیلی باید دقت کرد.

قیمت بالای زمین چقدر است؟

تا ۲۰ هزار دلار هم می‌رسد، مخصوصاً در شمال کالیفرنیا. آب دلتای ساکرومنتو اصلاً دریاست، مثل اروندرود است. کشاورزان با دولت کالیفرنیا در مورد استفاده از این آب‌ها اختلاف دارند. کسانی که طرفدار محیط زیست هستند می‌گویند یک نوع ماهی است به نام Smelt که در این آب رشد می‌کند و خوراک یک نوع ماهی به نام Salmon است که در اقیانوس است. می‌گویند اگر این آب را داخل کانال پمپاژ کنیم، این ماهی‌ها از بین می‌روند و باید بگذارید این آب هم‌طور به اقیانوس برود. این یک داستان سیاسی بین دموکرات‌ها و جمهوری خواهان و طرفداران

انجام دهد. پس از مدتها سرگردانی تصمیم گرفتیم نیمه دوم عمرم را کاری بکنم که در کودکی و نوجوانی دوست داشته بودم و آن کشاورزی و ادبیات فارسی بود. در ابتدای کار زمینی حدود ۷۰ هکتار با برادر خانم، آقای محمد امین، به شراکت خریدیم.

در این زمین باغ پسته احداث کردید؟

بله، باغ پسته احداث کردیم و در سال ۲۰۰۰ یعنی ۱۳۷۹ خورشیدی با آقای محمد امین یک قطعه زمین دیگر خریدیم و به یک مدیر مزرعه سپردیم که آنرا اداره کند. این زمین بزرگتر و حدود ۱۶۰ هکتار بود و خاک بسیار حاصلخیزی داشت که قبلاً در آن پنبه می‌کاشتند. آقای محمد امین این باغ را "راویز" نام گذاشت که اسم یک دهکده کوهستانی در رفسنجان است. سه سال بعد یک زمین بزرگتر پیدا شد که من خودم زمین را دیدم که مناسب کشت پسته بود و پس از آزمایش خاک و آب آن را خریدیم و پسته کاشتیم و بدین ترتیب یواش یواش وارد این کار شدم. اسم این مزرعه را من "پیوند" گذاشتم.

در این مدت من هرچه کنفرانس جامع پسته بود می‌رفتم. CPC (کمیسون پسته کالیفرنیا) سالی یک کنفرانس جامع پسته داشت که در آن شرکت می‌کردم. بعد از انحلال این کمیسیون "انجمن باغداران پسته آمریکا" (APG) جای آن را گرفت و من عضو این انجمن هم هستم.

خلاصه خیلی کتاب خواندم و مقالات مختلف درباره پسته از الفبای آن شروع کردم. به وب سایت‌های مرتبط به پسته سر می‌زدم و این بود که به تدریج با کشاورزی نوین پسته در آمریکا آشنا شدم و در نهایت یک شرکت مشاوره کشاورزی بنام "Shafipour Farm Consulting" را تأسیس نمودم.

در این میان آقایان محمد و حسن امین یک شرکت سرمایه گذاری کشاورزی تأسیس نمودند و من هم همکاری خود را در امور فنی کشاورزی پسته و بادام با آنها شروع کردم.

چه شد آقای محمد امین که در کار سینما بودند، به باغداری پسته علاقه مند شدند؟

ایشان هم بچه ی پسته است چون مرحوم حاج عباس امین پدر ایشان از تاجران مورد اعتماد مردم و همچنین باغدار پسته بودند. آقای امین بیشتر در کار تجارت بود و یک مدت در اوایل انقلاب در کار صادرات پسته با شرکت تعاونی تولیدکنندگان پسته رفسنجان همکاری کرد. وی بعدها به آمریکا رفت و بتدریج وارد کار فیلم شد. با رونق گرفتن صنعت کشاورزی پسته در کالیفرنیا ایشان به فکر تأسیس یک شرکت سرمایه گذاری در این رشته افتاد.

تقسیم کار بین شما چگونه است؟

پس از یافتن یک قطعه نسبتاً بزرگ زمین، کارهای قانونی ثبت شرکت و سرمایه گذاری با آقای محمد امین است. آقای حسن امین امور مالی و حسابداری را

تا ارقام پسته را جمع آوری کنند. پیوندی هم که از رفسنجان بردند، درواقع همین پسته "اوحدی" بود. ولی چون رفسنجان آن موقع شهر کوچکی بود، رقم پیوند را کرمان گذاشتند که با شهر کرمان کالیفرنیا هم نسبتی داشته باشد. بیش از ۹۵ درصد پیوندهای کالیفرنیا همین کرمان است که "اوحدی" خودمان است.

سپند در ساکرامنتو هم پسته زیادی کشت شده است؟

در ساکرامنتو به آن صورت خیر؛ تازه شروع شده است. اوایل بیشترین باغ پسته در منطقه‌ای به اسم لاست‌هیلز احداث شد.

در حال حاضر در سرتاسر جلگه کالیفرنیا مرکزی پسته کاشت می‌شود.

در آمریکا وقتی می‌خواهید یک خانه یا زمین بخرید ابتدا در محضر یک قرارداد می‌بندید که در مدت زمان معین مطالعاتتان را در مورد آن ملک انجام دهید. در مورد زمین کشاورزی، در این مدت در مورد تجزیه آب و خاک و اینکه آیا آفتی در خاک وجود دارد و غیره مطالعات خود را می‌کنید و اگر به هر دلیل نخواستید آن ملک را بخرید قرارداد فسخ می‌شود و مالک هیچ ادعائی نمی‌تواند بکند.

سپند این دوره چقدر است؟

معمولاً برحسب مدتی که توافق بکنند از یک تا سه ماه متغیر است. حق کمیسیون واسطه یا دلال را هم باید فروشنده بپردازد.

سپند آقای دکتر شفیعی پور؛ اجازه دهید برگردیم به فعالیت شرکت شما. ممکن است بیشتر راجع به فعالیت این شرکت توضیح دهید؟

بله، همانطور که گفتم کار ما تقریباً از سال ۲۰۰۷ شروع شد. در آن سال یک قطعه زمین خریدیم که اسمش را پاریز گذاشتیم. روال کار بدین ترتیب است که اول من زمین را می‌بینم و اگر شرایط آن از هر جهت مناسب بود وکیل شرکت کلیه کارهای قانونی از ثبت و نامگذاری سهامداران و غیره را در یک شرکت با مسئولیت محدود به ثبت می‌رساند. تا ۶-۵ سال اول، ملک درآمد چشمگیری ندارد. ولی در مقابل، مقداری از هزینه‌ها را می‌توان به حساب مالیات بر درآمد آینده ملک گذاشت. برای همین، اغلب باغ جدید احداث می‌کنند که هزینه‌ها را به حساب مالیات بر درآمدشان بگذارند.

سپند در واقع به جای اینکه مالیات بدهند در احداث باغ سرمایه‌گذاری می‌کنند.

بله، ولی این توسعه به سادگی نیست و قسمتی از هزینه‌ها را می‌توان از مالیات بر درآمد آینده کسر نمود.

سپند برای گرفتن شریک تبلیغ می‌کنید؟ خیر، ما تبلیغ نمی‌کنیم، فقط فامیل و دوست را

مطلع می‌کنیم و به آنها می‌گوئیم که چنین زمینی، با این مشخصات به بازار آمده و کلیه اطلاعات از قبیل قیمت زمین، هزینه نگهداری، میزان محصول دهی و غیره را در اختیارشان می‌گذاریم.

سپند در واقع این شراکت در خرید زمین است. هزینه احداث باغ چه می‌شود؟

ما پس از انجام امور قانونی، زمین را به یک مدیر مزرعه می‌سپاریم که کشت را انجام دهد. آنجا بانکهایی هستند که فقط به امور کشاورزی وام می‌دهند و همه آنها خصوصی هستند شرکت ما را این بانکها می‌شناسند و به اعتبار آن مقداری وام دراز مدت با بهره ۴-۳ درصد در سال می‌دهند.

سپند هزینه احداث هر هکتار باغ پسته چقدر است؟

حدود ۳۰۰۰ تا ۳۲۰۰ دلار در هر ایکر (۷۵۰۰ تا ۸۰۰۰ دلار در هر هکتار). (توضیح اینکه هر ایکر ۴۰۰۰ متر مربع است).

ابتدا زمین را بااصطلاح ریپ (rip) می‌کنند یعنی تراکتورهای عظیم تا عمق ۱/۸ متر زمین را می‌شکنند. سپس تسطیح انجام می‌شود و بعد از آن، نقشه خیابان بندی، منبع آب و فیلترها و سیستم آبیاری قطره‌ای را پیاده می‌کنند.

سپند شما این کارها را انجام می‌دهید یا مدیر مزرعه؟

مدیر مزرعه تمام کارها را انجام می‌دهد اما برای انجام هر عملیات با دیگر شرکت‌ها قرارداد می‌بندد. مثلاً یک شرکت ریپ می‌کند، دیگری تسطیح می‌کند و یک شرکت متخصص، امور آبیاری را سامان می‌دهد و نهایتاً همه هزینه‌ها را حواله می‌کنند و ما پرداخت می‌کنیم.

سپند چه کسی بر کار مدیر مزرعه نظارت می‌کند که مثلاً اشتباه یا تخلفی صورت نگیرد باشد؟

امور مالی را حسابدار و امور فنی و کشاورزی را من نظارت می‌کنم.

سپند این افراد (مدیر مزرعه، کارگران و غیره) حقوق بگیر هستند؟

مدیر مزرعه بر اساس ایکر (هکتار) حقوق می‌گیرد. حدود ۱۵۰ دلار در هر ایکر (۳۷۵ دلار در هکتار) کلاً جهت حقوق خودش و سرکارگر و یک کارگر که با موتور چهارچرخ در باغ می‌گردد که لوله آب سوراخ نشده باشد یا جایی اشکالی نباشد. هزینه سمپاشی و تراکتور و غیره را مدیر مزرعه حواله می‌کند و پرداخت می‌شود.

سپند پس لازم نیست که برای خرید ماشین آلات و ادوات کشاورزی سرمایه‌گذاری کنید؟

بله درست است. ما هیچگونه هزینه‌ای در این رابطه نداریم.

سپند مدیر مزرعه یک فرد حقیقی است یا

شرکت دارد؟

او شرکتی به ثبت رسانده با نام مشخص که این کارها را انجام می‌دهد. برای هر کار از قبیل خرید کود مایع، سم، تیلر کردن، هرس نمودن و غیره صورتحساب می‌دهد. البته احترام متقابل و اعتماد وجود دارد.

سپند هزینه ۳۲۰۰ دلار در هر ایکر شامل چه کارهایی می‌شود؟

شامل ریپ کردن (شکستن)، صاف کردن، طراحی نقشه و لوله کشی سیستم قطره‌ای تحت فشار و منبع آب. حدود ۱۵۰۰ دلار در ایکر فقط هزینه سیستم آبیاری تحت فشار است. هزینه نهال و کاشتن آن هم هست. هزینه چوب‌هایی که بغل درخت می‌زنند هم هست. سال اول حدود ۶۰۰-۵۰۰ دلار در هر ایکر (۱۲۵۰ تا ۱۵۰۰ دلار در هر هکتار) خرج آب و همچنین برقی می‌شود که برای پمپاژ آب مصرف می‌شود. یعنی عملاً چیزی حدود ۳۷۰۰ دلار در هر ایکر (۹۲۵۰ دلار در هر هکتار) هزینه احداث باغ می‌شود. هزینه مدیریت جزء این هزینه‌ها است. این هزینه شامل هزینه پیوند، کود، تربیت درخت، تیلر کردن و علف کش هم می‌شود.

سپند معمولاً سرعت احداث باغ چقدر است؟

خیلی سریع است. یعنی اگر همه چیز درست باشد شما می‌توانید در یک ماه مثلاً ۱ سکنش یعنی ۶۴۰ ایکر (۲۵۶ هکتار) را احداث کنید. البته شما باید نهال را از قبل خریده باشید و آماده باشد.

سپند چاله‌ها را با ماشین می‌کنند و پر می‌کنند؟

با بیل دستی می‌کنند و پر می‌کنند.

سپند نهال‌هایی که می‌کارند چند ماهه است؟

این‌ها را سال قبل مثلاً در تابستان در گلخانه کاشته‌اند و ما بهار به بعد آن‌ها را می‌خریم و می‌کاریم. تابستان هم می‌شود نهال را کاشت. چیزی حدود ۶ ماه تا یک سال عمرشان است. پیوند هم نشده‌اند. وقتی آن‌ها را می‌کارند شروع به رشد می‌کنند و در حدود ماه جولای و آگوست (تیر و مرداد) قطرش حدود یک سانتی‌متر می‌شود و می‌توان روی آن‌ها پیوند زد. دیرتر هم می‌شود، مثلاً در شهریور هم می‌شود پیوند زد. پیوندها بدنی است نه لوله‌ای که متداول ایران است.

سپند یعنی همان سالی که کاشتید پیوند هم می‌زنید؟

بله. تند تند پیوند را می‌زنند و می‌روند و برای هر پیوندی، فکر می‌کنم ۶۵ سنت می‌گیرند.

سپند روی هر درخت چند تا پیوند می‌زنند؟

معمولاً یکی، بعضی وقت‌ها دوتا.

سپند این کارها را هم مدیر مزرعه انجام می‌دهد؟

خیر، در این منطقه در واقع شرکت‌هایی هستند که مثلاً فرض کنید ۵۰۰ تا کارگر یا بیشتر دارند. ◀

بله هر مدیر، مهندس دفع آفت جداگانه دارد و با او قرارداد بسته است اما حقوقش را ما می پردازیم.

سرکارگر چکار می کند؟

سرکارگر رابط بین مدیر مزرعه و کارگران است. او همیشه در باغ هنگام عملیات حضور دارد. او جزئیات کارها را زیر نظر مدیر مزرعه انجام می دهد و به امور مزرعه اشراف کامل دارد.

شما هیچ کارگر دائمی ندارید؟

شما وقتی آنجا می روید اصلاً کارگر نمی بینید. شما با کارگر اصلاً طرف نیستید. سرکارگر با کارگر طرف است. مدیر مزرعه هم چند تا کارگر دائمی دارد، ولی قسمت اعظم کارگرها فصلی هستند. آن ها هم وقتی لازم باشد، می آیند. مثلاً موقع پیوند، مدیر مزرعه با یک شرکت که کارش پیوند زدن است قرارداد می بندد.

شما به این قراردادهای وارد نمی شوید که مبلغ آن چقدر بوده است؟

خیر؛ یک چیز معمول در تمام منطقه است. شما می دانید در هر ایکری ۱۲۸ درخت می شود کاشت (۳۲۰ درخت در هر هکتار) و هر ۲۵ درخت ماده یک درخت نر دارد. همه چیز بر این اساس حساب می شود و خود مدیر این کارها را می کند. وقتی هم سمپاشی بخواهد بکند، سم مصرفی معلوم است، قبضش را به حسابدار می دهد که ما این قدر سم خریدیم. پولش را هم جزء حساب هایش می آورد.

مدیر مزرعه در کارگاهش چند مکانیک دارد که اگر تراکتورش خراب شد تعمیر کند. برای هرس کردن، برای پیوند زدن، برای کاشتن هم کارگران شرکت هایی که مدیر با آن ها قرارداد دارد، هستند. تمام این کارگرها هم آموزش دیده هستند. دختر و پسر، زن و مرد به باغ می آیند. همراهشان هم توالت های سیار هست. خیلی مجهز می آیند. اینها یا با مینی بوس می آیند، یا خودشان ماشین دارند و سر کار می آیند. غذا هم با خودشان می آورند و همه چیز خیلی حساب شده است. کارشان را انجام می دهند و می روند. بعد به حسابدار صورت حساب می دهند و حسابدار هم عیناً به آن شرکت پرداخت می کند.

اجازه دهید برگردیم به موضوع وام، می خواهم بدانم متعهد وام چه کسی خواهد بود؟ بانک باغ را به عنوان گرو برمی دارد و اگر شما بازپرداخت نکنید، جلوی آن را می گیرد.

در واقع بهره و بازپرداخت وام ها از محل عایدات باغ پرداخت می شود؟

بله. البته تا زمانی که باغ به محصول نرسیده هم باید قسط های بانک را پرداخت نمود.

آیا هزینه بهره وام جزء هزینه های جاری سالیانه که فرمودید حساب شده است؟ خیر؛ بهره وام باید به این عدد اضافه شود.

این عدد چقدر است؟

مثلاً شما فرض کنید ۳ درصد بهره است، بستگی دارد

سال می شود، سال سوم ۱۰۰۰ دلار و تا حدود درخت ۱۵-۱۰ ساله حدود ۲۵۰۰ دلار هزینه نگهداری است. یکسری هزینه ها مثل حقوق من که نظارت می کنم و مالیات جاری بر مستقالات هم هست که جزء هزینه های جاری نگهداری نیست، بلکه خدمات جانبی است. این هزینه ها بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ دلار در هر ایکر (۲۵۰ تا ۵۰۰ دلار در هر هکتار) می شود. بعضی سال ها آب گران می شود، جایی آفت زیاد می شود و مجبورید سمپاشی زیادتری بکنید، یک سال می گویند کود بیشتری بدهید. ما مالیات بر مستقالات هم داریم؛ آنجا شما هر سال باید حدود یک درصد قیمت زمین را طبق قیمت روز، مالیات بر ملک بدهید.

چه سازمانی قیمت روز زمین را اعلام می کند؟

دولت ایالتی و شهرداری محل.

برای نگهداری هم با مدیر مزرعه سال به سال قرارداد می بندید؟

خیر؛ ما اول با مدیر مزرعه قراردادی یک ساله می بندیم، که در سال های بعد همین طور تمدید می شود. این مبلغ علاوه بر تمام پرداخت هایی است که به کارکنان خودش برای انجام کارهای باغ می پردازد و یا هزینه ی موادی است که مصرف می کند. اگر مثلاً تیلر بزند حق الزحمه آن را خودش حواله می کند، یا اگر سمپاشی کند، حق الزحمه سمپاشی را بر می دارد، چون سم پاش مال اوست، کارگر هم مال اوست. مزد مدیریتش هم در همین هزینه ها دیده می شود. عرض کردم ۱۵۰ دلار در هر ایکر (۳۷۵ دلار در هر هکتار) می شود که حدود ۸۰ دلار در هر ایکر (۲۰۰ دلار در هر هکتار) حقوق خودش است و بقیه اش هم مزد سرکارگر و از این قبیل است.

شما فقط در قطعاتی که سرمایه گذاری کرده اید نظارت می کنید؟

من قطعاتی که شریک نیستم را بیشتر از قطعات خودم نظارت می کنم. باور نمی کنید که من الان درخت های این باغ ها را به خوبی می شناسم. مثلاً می دانم کجا ضعیف تر است و می گویم به آنجا بیشتر برسند. وقتی بازدید می روم کاملاً به باغ مسلط هستم و با مدیران خیلی تفاهم داریم.

آیا مدیران با شما کار می کنند؟

بله؛ مدیران مزرعه کار خودشان را می کنند. مثلاً می گویند امروز می خواهیم سمپاشی کنیم، من هم میروم سرکشی میکنم. ولی اگر دیدم قطعه ای آفت زده و سمپاشی نشده تلفن می زنم و موضوع را پیگیری می کنم.

مهندس دفع آفات زیر نظر شرکت شماست یا زیر نظر مدیر مزرعه است؟

زیر نظر مدیر مزرعه.

هر مدیر مزرعه مهندس دفع آفات جداگانه ای دارد؟

کارگرها همه دوره دیده هستند آن ها می توانند درخت بکارند، پیوند بزنند، هرس بکنند و هر کار دیگری که لازم باشد انجام دهند. مدیر مزرعه با این شرکت ها قرارداد می بندد که عملیات لازم را انجام دهند.

چه زمان سربرداری و تربیت درخت را شروع می کنند؟

وقتی درخت تقریباً ۱۵۰ سانتی متر شد، باید سربرداری بکنند. از آن موقع تربیت درخت شروع می شود. تقریباً در پایان زمستان همان سال کاشت، سربرداری شده و تربیت درخت شروع می شود. نهال درخت را حدود یک متری سر می کنند.

در تربیت سعی می کنند که شاخه های وسط درخت هرس شود چون باید درخت در آینده خوب آفتاب بگیرد لذا شاخه ها را بیشتر به بالا و اطراف هدایت می کنند. معمولاً درخت را هم طوری هرس می کنند که شاخه ها به سوی بالا بروند. چون اگر افقی بروند، بتدریج بزرگ می شود و وقتی که محصول می آید شاخه می شکنند. قدیم ها این کار را می کردند و بعضی وقت ها می شد که درخت از وسط کاملاً شکاف می خورد و باید آن را پیچ و مهره می کردند. تقریباً پنج شش سال اول، ما سعی می کنیم یک سایه انداز بزرگ برای درخت ایجاد کنیم. بعد از سال ششم و هفتم به دو روش هرس انجام می شود، یکسری هستند که با دستگاه هرس می کنند و این دستگاه را بگونه ای تنظیم می کنند که ابتدا سر درختها را می زند و بعد دو طرف درخت را هرس می کند. این روش خشنش این است که ارزان است. ولی بدی آن این است که یک شاخه ای که محصول دارد را هم می زند. در هرس دستی این کار را نمی کنند و این شاخه را سال بعد می زنند. من خودم معتقد به هرس دستی هستم ولی هنوز در این مورد بحث ادامه دارد.

آقای دکتر شفیع پور! در مقیاس های بزرگ، هرس دستی کار بسیار سختی است. شما چطور می توانید این همه قطعات مختلف و این همه مساحت را هرس کنید؟

خوب البته ما ۳ تا مدیر مزرعه داریم. اینها هر کدام کار خودشان را می کنند. می دانید شرکت پارامونت که بزرگ ترین باغدار دنیاست، ۳۵ هزار ایکر یعنی تقریباً ۱۵ هزار هکتار باغ پسته دارد، حدود ۴۰ هزار ایکر (۱۶ هزار هکتار) انار دارد، و حدود ۷۰ هزار ایکر (۲۸ هزار هکتار) بادام دارد، آن ها همیشه مکانیکی این کار را می کنند. اولین مدیر مزرعه ما، هم به هرس مکانیکی اعتقاد داشت ولی قطعات باغهای ما کوچکتر است و همانطور که گفتم تعداد زیادی کارگر دوره دیده اینکار را به سرعت انجام می دهند.

هزینه های جاری نگهداری باغ در سال های بعد چقدر است؟

سال های بعد همان طور که درخت بزرگ می شود هزینه اش بیشتر می شود، مثلاً سال دوم ۸۰۰ دلار در

که شما چقدر وام گرفته‌اید و چند ساله می‌خواهید پرداخت کنید. این بهره فرق می‌کند و لذا حسابش از حساب جاری نگهداری باغ جداست.

بهره وام دقیقاً چند درصد است؟

آنجا شما وقتی می‌خواهید پولتان را در بانک بگذارید. ۳ دهم درصد به شما بهره می‌دهند و وقتی می‌خواهید وام بگیرید ۴-۳ درصد بهره تعلق می‌گیرد و حتی یک زمانی خیلی بیشتر بود. من الان دقیق نمی‌توانم بگویم، چون من خودم بهره مثلاً ۷ درصد هم داده‌ام، ۵ درصد هم داده‌ام. آنجا هیچ چیز ثابت نیست. شما سر یک چهارراه می‌روید مثلاً نوشته گالن بنزین ۴ دلار و اون یکی چهارراه ۴ دلار و ۲۰ سنت و یکی دیگر ۵ دلار نوشته است. بستگی به این دارد که چطور با طرف بانکی به توافق برسید.

آیا وام‌های کشاورزی ارزاتر از وام‌های ساختمانی یا صنعتی هستند؟ منظورم این است که آیا تفاوتی بین صنعت و کشاورزی در بهره مندی از وام وجود دارد؟

خیر؛ کسی که وام کشاورزی را می‌دهد دولت نیست. گروهی بانک را برای این که سود ببرند، تأسیس کرده‌اند. بهره ای که از این راه می‌گیرند با بهره ای که از وام خانه می‌گیرند هیچ تفاوتی نمی‌کند.

شرکاء یا همان سهامداران در اجرائیات دخالتی دارند؟

خیر؛ ابتدا که قرارداد می‌بندند توافقی می‌کنند که در کار فنی هیچ دخالتی نکنند.

چه کسی پاسخگوی مسائل فنی است؟ مدیر مزرعه و سپس شخص من.

مدیر مزرعه چگونه پاسخگوی عملکردش است؟ چه مکانیزم‌هایی دارید؟

بیشتر دوستانه است. اگر دیدیم یک مدیر مزرعه ای هر روز دارد یک اشتباهی می‌کند، خوب ابتدا دوستانه به او گوشزد می‌کنیم اگر توجهی نکرد و اشتباهاتش تکرار شد شخص دیگری را جایگزین او می‌کنیم البته این کار تاکنون اتفاق نیفتاده است.

مسایل و روابط مالی با شرکا و سهامداران چطور تنظیم می‌شود؟

برای همه صورتحساب ماهیانه و سالانه می‌فرستیم که این مقدار هزینه شده و سهم شما این قدر است. بعد هم که باغ به محصول دهی رسید، محصول را به کارگاه می‌دهیم و در پنج قسط پولش را می‌گیریم. می‌دانید آنجا پسته همان اول سال قیمت می‌خورد و مثل ایران نیست که قیمت در طول سال متفاوت باشد. بادام این‌طوری نیست و قیمتش در بازار فرق می‌کند. مثلاً ما به کارگاه آقای علی امین (شرکت پرایمکس) پسته را می‌دهیم، پس از آزمایش گزارش می‌دهند که این پسته این قدر افت‌زدگی داشت، این قدر پوک داشت، و ... و با این شرایط، قیمت این قدر می‌شود و پولش را در ۵ قسط به ما می‌دهند،

هر ۲ ماه یک قسط. در پایان ماه آگوست هم اگر چیزی علاوه بر آن قیمت، سود کرده باشد، آن را به ما می‌پردازند. در این شرکت هر سهامدار یک حساب جداگانه دارد که تا آخر سال یک سری هزینه به حسابش زده می‌شود و بعد سهمش از درآمد هم حساب می‌شود و اینها را از هم کم می‌کنند و قسط به قسط به ایشان می‌پردازند.

حسابرسی مالی هم دارید؟

بله؛ در آمریکا در شرکت‌های بزرگ، باید حسابرس هم صورت‌های مالی را تایید کند که این صورت‌ها به اداره مالیات می‌رود. آنها معمولاً حرف حسابرس را قبول می‌کنند. چون حسابرس عملاً نماینده دولت و حافظ منافع دولت است.

درواقع حافظ منافع شرکا هم هست.

چون این حسابرس باید تایید کند که صورت‌های مالی شما درست است.

اصولاً صورتحساب آخر سال مالی برای همه فرستاده می‌شود که اینقدر خرج شده و اگر سوالی دارید تماس بگیرید. مسائل خیلی دوستانه حل می‌شود.

آقای دکتر شفیع‌پور! ظاهراً علیرغم رکود اقتصادی آمریکا، در سال‌های اخیر موج گسترش پسته کاری در کالیفرنیا به راه افتاده است و حتی می‌شنویم که خیلی‌ها باغات انگور را درمی‌آورند و پسته را جایگزین می‌کنند. همین‌طور است؟

بله درست است الان پسته بالاترین سود را در بین این محصولات دارد. البته هزینه خرید و نگهداری باغ هم بالا رفته است. مثلاً فرض بفرمایید بادام از سال سوم به محصول می‌رسد ولی در سال بیستم تا بیست و پنجم باید درخت را دریاورید. پسته اگر از درختش خوب مواظبت شود، شاید ۵۰ سال، ۷۰ سال هم عمر کند. یعنی پسته حداقل ۲ برابر بادام عمر می‌کند و محصولی که می‌دهد درآمد بالاتری دارد. بادام هزینه‌ی خیلی زیادی مثلاً ۵۰۰-۴۰۰ دلار در هر ایکر (۱۰۰۰ تا ۱۲۵۰ دلار در هر هکتار) فقط هزینه زنبورعسل دارد یعنی زنبوری که برای گرده افشانی لازم دارد. اما گرده افشانی درختان پسته بوسیله وزش باد است.

هزینه آب تقریباً یکی است. هزینه کود تقریباً یکی است. بادام به اندازه پسته هزینه هرس ندارد. بادام را هرس نمی‌کنند. چون هر شاخه‌ای که می‌زند، سال بعد شکوفه درمی‌آورد. هزینه‌ی مبارزه با آفت هم تقریباً مثل هم است. در مقابل، مغز بادام فروش می‌رود، ولی پسته با پوست را با قیمت بیشتر می‌فروشید و در حقیقت شما دارید پول پوستش را هم می‌گیرید. محصول دهی پسته هم بیشتر از بادام است. هم اکنون پسته بهترین محصول کشاورزی است و من آماری خدمت‌تان بدهم، در سال ۲۰۰۰ که من به آمریکا رفتم، جمعاً حدود ۱۰۰ هزار ایکر یعنی ۴۰

هزار هکتار باغ پسته بود، الان چیزی بالای ۲۵۰ هزار ایکر (۱۰۰ هزار هکتار) است. سال ۲۰۰۱ پسته را از ما پوندی ۱ دلار و ۵ سنت (۲/۳۱ دلار در هر کیلو) می‌خردند و مدیران می‌گفت اگر قیمت تا ۸۵ سنت (۱/۹۰ دلار در هر کیلو) هم پایین بیاید کاشت آن به صرفه است. بعد هم قیمت‌ها شروع به بالا رفتن کرد. اگر کسی می‌خواست شریک بشود ما قیمت‌ها را براساس پوندی ۱/۵ دلار (کیلویی ۳/۳ دلار) حساب می‌کردیم و می‌گفتیم این قدر سود می‌برد. الان آخرین قیمتی که پارسال دادند، پوندی بالای ۳/۵ دلار بوده (کیلویی ۶/۶ دلار) یعنی نسبت به سال ۲۰۰۰ تقریباً سه برابر شده اما هزینه‌ها این قدر بالا نرفته است. در نتیجه سود پسته دارد بالا می‌رود. الان عده‌ای از ایرانی‌ها هستند که اصلاً در این کار نبوده‌اند ولی با ما صحبت کردند و شریک شدند و پولشان را توی کار پسته گذاشتند. چون ما همیشه به ایشان می‌گوئیم در پسته باید صبر داشته باشید، ولی در نهایت درآمد قابل توجهی خواهید داشت اما همانطور که گفتم قیمت زمین چندین برابر سالهای قبل شد.

آبی که در کالیفرنیا به پسته می‌دهند بسیار زیاد است. یعنی اینها در سال باید حساب کنند که حدود ۹۰ سانت آب در زمین پایین برود. پس چاه خوب می‌زنند و کود مایع کافی هم می‌دهند. کود مایع را هم در همان سیستم آبرسانی می‌ریزند. اگر آبش قلیایی باشد، در آب اسید پمپ می‌کنند یا گچ می‌پاشند. گچ هم یا گچ محلول در آب دارند که در تانکر می‌ریزند و وارد سیستم می‌کنند یا گچ معمولی را روی سطح زمین می‌پاشند. همه این‌ها هزینه اضافی دارد که انجام می‌دهند.

در آمریکا مرتب کنفرانس‌هایی در مورد پسته دارند. مخصوصاً در دانشگاه یوسی دیویس که تمام کارهای تحقیقاتی پسته را انجام می‌دهد. من همیشه در Pistachio Day در شهر وایسلیا شرکت می‌کنم و هرسال شاید ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر می‌آیند، اما امسال شاید ۷۰۰-۶۰۰ نفر اغلب دختر و پسر جوان شرکت کننده داشت.

به عنوان آخرین سوال می‌توانید بفرمایید سود سرمایه‌گذاری پسته در کالیفرنیا چقدر است؟

آنچه که ما محاسبه کرده ایم پس از کسر کلیه هزینه‌ها، برگشت سرمایه گذاری دراز مدت چیزی حدود ۱۵ درصد است که نسبت به بهره ۰/۳ درصد برای سپرده بانکی رقم قابل توجهی است. لازم به ذکر است که مانند هر سرمایه‌گذاری دیگری، ارزش افزوده زمین و باغ پسته بسیار بالاست و در منطقه کالیفرنیا مرکزی هر ایکر باغ پسته دارای محصول تا بیش از چهل هزار دلار یعنی هکتاری حدود یکصد هزار دلار ارزش دارد.